

از فراز طرح تفصیلی و نشیب تهران^۱

نگاهی به مطالعات اجتماعی طرح تفصیلی تهران

فرشید مقدم سلیمی

طرح تفصیلی جدید تهران از آغاز مطالعات پایه آن در سال ۱۳۸۱ و سپس تهیه آن توسط ۲۲ شرکت مهندسان مشاور برای ۲۲ منطقه تهران، بعد تجمیع آن‌ها ذیل طرح تفصیلی تهران، آن‌گاه تصویب‌اش در شورای اسلامی شهر تهران و سپس بررسی و تعدیل در کمیسیون ماده پنج و در نهایت ابلاغ توسط شهرداری تهران در سال ۹۱ مسیری پُریچ‌وتابی را پیموده است که هر گام آن باید به طور دقیق و عمیق باید مطالعه و نقادی شود.

مثلاً مهم است که ارزش‌های محوری و حاکم بر هر مرحله شناسایی شود. با این تذکر که ارزش‌های حاکم همیشه آن‌هایی نیست که در سخنان یا متن‌های رسمی تصریح و اعلام می‌شوند. ارزش‌های حاکم را گاه باید در میان خطوط یا پس‌نوشته‌ها جست.

همچنین برندگان و بازندگان هر گام، هر اصلاح یا هر تعدیل را باید شناخت. برای نمونه برندگان مصوبه اردیبهشت ۱۳۹۱ شورای عالی شهرسازی و معماری که بر اساس آن ۱۷ درصد به تراکم ساختمانی تهران افزوده شد کیستند؟ بازندگان این مصوبه چه کسانی‌اند؟ برندگان و بازندگان اصلاحاتی که با روی کار آمدن دولت جدید قرار است انجام شود چه کسانی خواهند بود؟

نکته مهم دیگر این‌که امکان و فرصت ساکنان شهر برای مشارکت و تأثیرگذاری در هر گام چقدر بوده است؟ مثلاً الغای حق رأی نماینده شورای شهر در کمیسیون ماده پنج چه تأثیری بر تأثیرگذاری ساکنان تهران بر فرایندها دارد؟ در همین رابطه می‌توان پرسید آیا در این مراحل مطالعه یا هر نوع اقدامی برای فهم مسایل واقعی، اولویت‌ها و مطالبات ساکنان شهر انجام شده است؟ آیا اساساً امکانی برای دیده شدن برنامه‌های شخصی و خانوادگی و اجتماعی، آرزوها یا ترس‌های ساکنان شهر وجود داشته است؟

علاوه بر این‌ها، مهم است که دانسته شود گروه‌های مسلط و تأثیرگذار در هر گام چه بوده است؟ هر کدام از مهندسان مشاور، تکنوکرات‌های دولت، دلال‌ها و سفته‌بازها، سرمایه‌گذاران خرد یا کلان شامل افراد و بانک‌ها و موسسات سرمایه‌گذاری، و نهایت شهرداری تهران، در هر مرحله چه نقشی ایفا کرده‌اند و تضادهای میان این گروه‌ها و سازش‌های مقطعی یا پایدار میان‌شان چطور و بر سر چه موضوعاتی بوده است.

سوالات بسیاری است که می‌بایست پاسخ‌هایی در خور بیابند. در این بررسی به سراغ مطالعات پایه طرح تفصیلی تهران می‌رویم که در قالب «بررسی مسایل توسعه شهری مناطق تهران» در سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ برای هر منطقه شهری تهران به طور جداگانه انجام شده است و مطالعات اجتماعی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم^۱. این گزارش به بررسی مطالعات اجتماعی طرح‌های بررسی مسایل توسعه شهری مناطق ۳، ۴، ۹ و ۱۶ می‌پردازد.

مطالعات اجتماعی منطقه ۳

در این مطالعات برای شناسایی سیمای اجتماعی منطقه از چهار شاخص استفاده شده است: وضع سواد، وضع ازدواج، نحوه تصرف مسکن و در نهایت برخورداری خانوارها از تسهیلات مسکن. توضیح اینکه در مطالعات اجتماعی مرسوم برای سنجش یک مفهوم یا متغیر، ابتدا از آن تعریف نظری و سپس تعریف عملیاتی ارایه می‌شود. تعریف عملیاتی برای مشاهده‌پذیر کردن

^۱ این مقاله با اندکی ویرایش در تاریخ ۹۳/۵/۳ در وبسایت یکشهر منتشر شده است: <http://yekshahr.net/2014/07/post-105.html>

مفهوم انجام می‌شود به این شکل که سنجه‌هایی که معرف و نماینده مفهوم باشند تعیین می‌شوند تا مورد سنجش قرار گیرند. اما در طرح مورد بررسی احتمالاً چون تصور شده امر اجتماعی روشن و نیاز به تعریف ندارد، تعریفی از آن داده نشده است. در نتیجه، عملیاتی کردن آن مستدل و موجه نشده است. یعنی مشخص نیست چرا سیمای اجتماعی را شامل این چهار بُعد دانسته‌اند. از این گذشته ذیل سیمای اجتماعی مفهوم‌های مشخصاً اجتماعی بررسی نشده‌اند. وضع سواد و وضع ازدواج بیشتر متغیرهای جمعیت‌شناختی‌اند، نحوه تصرف مسکن و برخورداری خانوارها از وام مسکن نیز بیشتر به مطالعه اقتصادی مربوط است. البته این داده‌ها برای مطالعه اجتماعی اهمیت دارند، ولی آن‌ها را در بخش‌های دیگر باید بررسی کرد و در بخش مطالعات اجتماعی ضمن استفاده از آن‌ها، پدیده‌ها و مفاهیم اجتماعی اصلی را مورد بررسی قرار داد.

در ادامه، در جمع‌بندی مطالعات وضع موجود جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، بخشی با عنوان پهنه‌بندی جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی منطقه ارایه شده است. این‌جا قرار بوده که با ترکیب و تلفیق داده‌های بالا که به تفکیک محله‌های منطقه موجود بوده‌اند، پهنه‌بندی منطقه ارایه شود. در گزارش آمده است که «می‌توان مجموعه شناسه‌های پهنه‌های مدیریتی (نواحی شهرداری) و محله‌های منطقه را استخراج و بررسی کرد. بر پایه این بررسی مشخص می‌شود که همبستگی مشخصی میان این شناسه‌ها در پهنه‌های مورد نظر وجود ندارد. علت این امر را می‌توان در همبستگی اقلشار گوناگون اجتماعی و اقتصادی جمعیت در هر یک از پهنه‌ها و نیز تأثیر موثر بسیاری از عوامل دیگر در اندازه این شناسه‌ها که در این مطالعات مورد توجه نبوده‌اند جستجو کرد. در حالی که معمولاً در جوامع جدا از یکدیگر [منظور جوامع تمایز یافته است]، با شدتی کم و بیش، همبستگی میان این شناسه‌ها را می‌توان مشاهده کرد.» (شاران ۱۳۸۲، ۱-۶۸)

به نظر می‌رسد در این مرحله فرضیه‌های نانوشته محققان رد شده است. این فرضیه‌ها جایی نوشته نشده‌اند اما برای محققان وجود دارند. فرضیه‌هایی مانند این که وضع سواد و وضع ازدواج یا نحوه تصرف مسکن با هم در ارتباطند. محققان انتظار تأیید این فرضیه‌ها را هم داشته‌اند و وقتی آن‌ها تأیید نشده‌اند ایراد را نه در روش‌شناسی تحقیق که در جامعه مورد بررسی یافته‌اند. جامعه‌ای که تمایز یافته است یا ممکن است گفته شود جهان‌سومی، در مرحله گذار یا آنومیک است و در نتیجه غیرقابل شناخت است.

بر اساس این مطالعات اجتماعی و بخش‌های دیگر طرح، در نهایت راهبردهایی برای برنامه‌ریزی شهر ارایه می‌شود. مثلاً در راهبردهای جمعیت‌پذیری منطقه در آینده برای تحقق هدف تثبیت جمعیت منطقه در حد زمان مطالعات (حدود سال ۸۰) پیشنهاد شده که با راهکارهایی مانند کنترل تراکم فروشی، بالابردن زیربنای واحدهای مسکونی و سهم زمین به واحد مسکونی قیمت مسکن در منطقه تا جایی بالا برود که جمعیت متوسط به پایین و اقلشار کارمند و کارگر از منطقه خارج شده و ثروتمندان جانشین آن‌ها شوند و تجانس منطقه نیز بالاتر رود. نوسازی بافت‌های فرسوده در منطقه مانند ده ونک نیز باید به تحقق این هدف کمک کند. اما سوال اینجاست که بر اساس کدام اسناد فرادست، مطالعات، نظریه‌ها و ارزش‌ها این سیاست و راهبردهای مربوط به آن پیشنهاد شده است و چگونه تصور شده است که این موضع قابل دفاع است.

مطالعات اجتماعی منطقه ۴

نمونه دیگر را می‌توان در مطالعه منطقه چهار یافت؛ اینکه چطور تفاوت‌ها و خودویژگی‌ها، مزاحم مطالعه تلقی می‌شود و از این رو نادیده گرفته می‌شوند. گزارش می‌گوید در این منطقه به علت فراوانی خانوارهای نظامی و انتظامی که شاغلان آن‌ها در گروه سایر و اظهار نشده طبقه‌بندی شده‌اند، سهم این گروه به ۱۷ درصد رسیده که در مقایسه با الگوی کل تهران که ۱۰ درصد

است بالا است و از سوی دیگر سهم سایر اقشار و گروههای شغلی کم شده است. برای رفع این مشکل ارقام مربوط به شاغلان گروه سایر و اظهارنشده حذف می شود تا «تحلیل بهتری از وضع اقشار اجتماعی» به دست آید. (عرصه ۱۳۸۲، ۴۵)

به این ترتیب، یکی از مهم ترین شاخص هایی که می تواند ویژگی منطقه را نشان دهد، از مدل تحلیلی مشاور خارج می شود. در مطالعات این منطقه نیز اثری از مطالعات پیمایشی و کیفی نیست و تکیه اصلی مطالعات اجتماعی طرح را بر آمارهای عمومی نشان می دهد. مثلاً در گزارش قیدشده که پهنه بندی محلات بر حسب شاخص های اجتماعی، بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ انجام شده است. (عرصه ۱۳۸۲، ۵۳) ناگفته نماند که آمارهای عمومی ارزشمند و مورد نیازند اما به دلیل این که بسیار کلی اند و متغیرهای مورد بررسی شان محدود است به تنهایی کافی نیستند.

۵-۳-۴- پهنه بندی منطقه و شاخص های اجتماعی در سطح محلات شهری منطقه ۴ تهران

اطلاعات موجود برای پهنه بندی محلات شهری بر حسب شاخص های اجتماعی بسیار محدود و اندک است. زیرا در این زمینه فقط آمار سرشماری ۱۳۷۵ در دسترس مشاور بوده است که جهت بررسی کامل و همه جانبه پیرامون پهنه بندی کفایت نمی کند. معهذاً با توجه به موجودی اطلاعات (سرشماری ۱۳۷۵) شاخصهای زیر بررسی و برای پهنه بندی محلات اقدام شده است:

مطالعات اجتماعی منطقه ۹

مشاور منطقه ۹ نیز در پهنه بندی شبیه به منطقه ۱۶ عمل کرده است. همان سه شاخص تراکم جمعیت، بعد خانوار و میزان باسوادی را گرفته تا با ترکیب آنها پهنه بندی را ارایه کند. روش مشاور این بوده که این شاخص ها را دو-به-دو مقایسه کرده و همبستگی میان شان را محاسبه کرده است. گزارش می گوید این همبستگی ها معنادار نیستند یا در مواردی غیرمنطقی به نظر می رسند. البته اینجا نمی بینیم که تقصیر به گردن جامعه انداخته شود. اما در این مورد نیز برای بهبود همبستگی، محله هایی که دارای واحدهای مسکونی سازمانی بوده یا به طور عمده شامل کارگاههای صنعتی و انبارداری بوده اند حذف می شود. نتیجه به نظر مشاور باز راضی کننده نیست چنان که در گزارش نوشته اند «تا حدودی پذیرفتنی است.» (آمود ۱۳۸۲، ۷۲)

۵-۲-۶- پهنه بندی منطقه ۹ با توجه به شاخص های تراکم جمعیت، تعداد نفرات خانوار و میزان باسوادی

در سال ۱۳۷۵

پهنه بندی تراکم جمعیت در بند ۵-۱-۳، پهنه بندی تعداد نفرات خانوار در بند ۵-۱-۲ و پهنه بندی سواد در بند ۵-۲-۴ ارائه و تحلیل شده است. در این مبحث با مقایسه دوه دوی این متغیرها، جمع بندی و ارائه شاخص ترکیبی از آنها، پهنه بندی ترکیبی دیگری ارائه می شود. ابتدا از مقایسه این متغیرها نتایج زیر را می توان به دست آورد:

- همبستگی دوه دوی این متغیرها با یکدیگر چندان معنادار نیست و در برخی زمینه ها همچون رابطه بعد خانوار و سواد، نتایج غیرمنطقی به دست آمده است. اما با استثنای محله هایی که واحدهای مسکونی سازمانی در آنها غلبه دارند و یا محله هایی که به طور عمده به کارگاه های صنعتی، خدماتی و انبار تعلق دارند و سکونت در آن به طور پراکنده و به طور مشخص شامل کارگران همان کارگاه ها است، می توان به قاعده ای نه چندان پایدار، اما تا حدودی پذیرفتنی است دست یافت.
- محله های شماره ۱، ۷ و ۱۲ دارای غلبه سکونت سازمانی و محله های شماره ۹ و ۱۰ دارای غلبه کاربری های کارگاهی است. با حذف این محله ها، تحلیل روابط دو به دوی متغیرهای سه گانه فوق به شرح زیر عنوان می شود.

توضیح اینکه در مطالعه اجتماعی همان قدر که یکسانی‌ها و شباهت‌ها مهم‌اند، تفاوت‌ها و خودویژگی‌ها نیز مهم‌اند. اما ما در این گزارش‌ها می‌بینیم که چطور برای دست‌یابی به نظم ریاضی تفاوت‌ها حذف می‌شوند. نتیجه این است که به سختی همبستگی‌های قابل توجهی به دست می‌آید. اما این همبستگی‌ها برای عقل سلیم محققان بر اساس اطلاعات کیفی غیرنظام‌مندی که در اختیار دارند نمی‌تواند جدی و قابل قبول باشد. رد پای این اطلاعات کیفی در برخی قسمت‌های گزارش منطقه ۹ قابل مشاهده است. برای نمونه در «شناسایی مسایل حاد و معضلات ناشی از ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی منطقه ۹ در حوزه اسکان و فضاهای کار و فعالیت» دلایل خروج نسل دوم ساکنان از منطقه بر اساس اطلاعات کیفی ارائه شده است. همچنین مسایل حاد اجتماعی منطقه بر اساس گفتگو با ساکنان برشمرده شده است. (آمود ۱۳۸۲، ۱۳۰)

منطقه ۹	مطالعات جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی
<p>۹-۴-۵- شناسایی مسائل حاد و معضلات ناشی از ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی منطقه ۹ در حوزه اسکان و فضاهای کار و فعالیت</p> <p>مسائل حاد و معضلات این منطقه، در حوزه اسکان، منتج از مطالعات، بررسی‌ها و نظرسنجی‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:</p> <ul style="list-style-type: none"> - نسل اول مهاجران به این منطقه، اکنون در سن پیری و کهنسنت و نسل دوم در حال جایگزینی با آنها است. اما شرایط اجتماعی و اقتصادی منطقه برای ماندگاری آنها مساعد نیست. بخشی از نسل دوم با انگیزه افزایش منزلت اجتماعی خود، برخی دیگر به دلیل نبود شرایط بازسازی و وسیع ساختمان‌ها و گروهی به دلیل نداشتن توان مالی کافی، از این منطقه خارج شده‌اند. در این میان، هنوز بخشی از جمعیت نسل دوم از منطقه خارج نشده‌اند. با توجه به سابقه سکونت در این منطقه، فرصت‌چندانی برای استفاده از باقیمانده‌های نسل دوم که هنوز تشکیل خانواده نداده‌اند، باقی نمانده است. با پایان یافتن این فرصت، شرایط برای بازسازی بسیار سخت و نامساعد خواهد شد. - مهم‌ترین مسئله این منطقه، آلودگی صوتی ناشی از فرودگاه مهرآباد است، که مرغوبیت اراضی و ارزش سکونتی این منطقه را به شدت کاهش داده است. همین امر اصلی‌ترین انگیزه خروج جمعیت از منطقه و تمایل نداشتن آنها به ماندگاری و بازسازی واحدهای مسکونی‌شان قلمداد شده است. - مطابق با نظرخواهی از ساکنان و اعضای انجمن‌های شورایی محله‌ها، آسیب‌های اجتماعی و وجود شرایط جرم‌خیزی در زمینه‌های گوناگون توزیع و مصرف مواد مخدر، فحشاء، سرقت و خشونت، از جمله مسائل حاد اجتماعی این منطقه محسوب می‌شود. 	

اینجا تحلیلی ارائه شده است که ما داده‌های پشتیبان آن را در گزارش نیافتیم. وقتی از مدیر این مطالعات پرسیدیم که چطور به این تحلیل رسیدند گفتند ضمن تکمیل پرسشنامه در منطقه با مردم مصاحبه می‌کردند. این مصاحبه‌ها البته بخشی از فرایند رسمی تحقیق نبوده‌اند، چون ظاهراً چنین روشی اعتبار لازم را برای به رسمیت شناخته شدن توسط کارفرما یا پیمانکار نداشته است. اطلاعات این مصاحبه‌ها به طور نظام‌مند مکتوب و مستند نشده‌اند اما تأثیر آن را در کل طرح مشاهده می‌کنیم. در واقع مجری آگاه بوده که داده‌های مرکز آمار ایران و حتی داده‌های کمی پیمایشی که خود اجرا کرده تکافوی نیازهای طرح را نمی‌دهد و به این ترتیب با حضور در محله‌ها و مشاهده و مصاحبه با ساکنان محله تلاش کرده کمبودهای مطالعات کمی و آماری را پوشش دهد.

وقتی منابع و مآخذ گزارش را نگاه می‌کنیم نیز مانند طرح‌های مناطق دیگر تکیه عمده آن به داده‌های جمعیتی و اقتصادی مرکز آمار ملاحظه می‌کنیم. این مشاور البته پیمایشی نیز انجام داده است که در فهرست منابع ذکر شده است.

فهرست منابع و مأخذ

- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری ها و سرشماری سال ۱۳۵۹، شهرتهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شهرتهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، شهرتهران.
- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از اندازه گیری رشد جمعیت ۷۸-۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، شهرتهران.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، شهرتهران.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، کل کشور.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، کل کشور.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانواده های شهری سال جاری ۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانواده های شهری سال جاری ۱۳۷۸.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانواده های شهری سال جاری ۱۳۷۹.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری هزینه و درآمد خانواده های شهری سال جاری ۱۳۸۰.
- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از اندازه گیری رشد جمعیت ۷۸-۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران، مشخصات پایه ای و چهارچوبی کارگاه های کل کشور، ۱۳۷۳.
- مرکز آمار ایران، آمارگیری کارگاه های بزرگ صنعتی سال ۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران، آمارگیری کارگاه های بزرگ صنعتی سال ۱۳۷۹.
- مهندسین مشاور آتک، طرح حفظ و ساماندهی تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۰.
- مهندسین مشاور آمود، نمونه گیری دودرصدی شهریورماه سال ۱۳۸۱.

مطالعات اجتماعی منطقه ۱۶

گزارش مطالعات اجتماعی و اقتصادی منطقه ۱۶ اطلاعات معنادار و قابل تأمل بسیاری را گردآورده است. با این همه همچنان نقصان هایی در شیوه تحقق مطالعه اجتماعی به معنی دقیق آن دیده می شود. طرح توسعه منطقه ۱۶ هم پهنه بندی ای از منطقه ارایه کرده است. در گزارش آمده که برای این کار از «شاخص هایی که محاسبه شدنی بودند» استفاده شده است. (نقش محیط ۱۳۸۱، ۵۷) در نتیجه شاخص های احتمالی کیفی حذف شده اند.

مطالعات جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی

منطقه ۱۶

۵-۲-۶- پهنه بندی منطقه با توجه به شاخص های تراکم جمعیت، تعداد افراد خانوار و میزان باسوادی در سال ۱۳۷۵ برحسب نواحی شهرداری

برای انجام پهنه بندی اقتصادی - اجتماعی منطقه، لازم است ابتدا شاخص هایی ارائه گردند. برای این منظور از شاخص هایی که محاسبه شدنی بودند، انتخاب شده است. این شاخص ها مشتمل است بر: خانوار در واحد مسکونی، بعد خانوار، تراکم در سال ۱۳۷۵، مشارکت زنان، بار تکفل و نسبت باسوادی، که به تفکیک محله ها منطقه ۱۶ دست یافتنی بوده است.

آنچه باقی مانده بُعد خانوار، نسبت باسواد، خانوار در واحد مسکونی، تراکم، مشارکت زنان و بالاخره بار تکفل است که داده‌های‌شان در سطح محلات منطقه در دسترس بوده است. سپس به محله‌های منطقه بر اساس رتبه‌شان در هر کدام از این شاخص‌ها امتیاز داده شده، با جمع امتیازهای هر محله شاخصی به دست آمده که رتبه کلی محله را به دست می‌دهد. سپس برای بررسی «صحت» شاخص کلی به دست آمده، ضریب همبستگی آن با هر کدام از شاخص‌های اولیه محاسبه شده است. نتیجه این کار نشان داده که این شاخص کمترین ضریب همبستگی را با شاخص‌های بُعد خانوار و تراکم جمعیت داشته است. برای بهبود ضرایب همبستگی، شاخص بُعد خانوار حذف شده است در نتیجه مثلاً ضریب همبستگی شاخص کلی با تراکم از ۳۰ درصد به ۴۵ درصد رسیده است. در ادامه چون بر مبنای شرح خدمات می‌بایست پهنه‌بندی با سه شاخص بُعد خانوار، تراکم و سواد انجام شود همین روش با این سه شاخص نیز تکرار شده است. ضریب همبستگی این شاخص اخیر سه متغیره با «نرخ سواد» ۶۰ درصد، با بُعد خانوار ۴۰ درصد و با تراکم ۳۳ درصد بوده است. گزارش طرح این درصدها را پایین می‌داند. البته برای این ارزیابی معمولاً از روش‌هایی مانند تحلیل خوشه‌ای یا تحلیل عاملی استفاده می‌شود که در این تحقیق این کار صورت نگرفته است. گزارش می‌گوید میزان شاخص‌ها اگر چه در محله‌ها متفاوت‌اند اما جمع امتیازهای محله‌ها بسیار به هم نزدیک است. بنابراین نمی‌توان منطقه را به راحتی پهنه‌بندی کرد و کل منطقه را باید به عنوان یک پهنه همگون در نظر گرفت. (نقش محیط ۱۳۸۱، ۵۴)

دیدیم که در طرح منطقه سه اظهار شد عدم تجانس منطقه مانع پهنه‌بندی معنادار منطقه شده، در منطقه ۱۶ تصور شده که همگونی مانع پهنه‌بندی است! به نظر می‌رسد علاوه بر کاستی‌های روش‌شناختی، یک دلیل عدم موفقیت پهنه‌بندی می‌تواند یکسان فرض کردن پهنه‌های اجتماعی با پهنه‌های اداری یعنی محله‌های شهرداری باشد.

در پایان نگاهی داشته باشیم به بخش مشکلات حاد منطقه. توضیحات این بخش به زعم ما نحوه حذف بُعد اجتماعی را از تحلیل‌ها و فرایند برنامه‌ریزی نشان می‌دهد. در این بخش استدلال شده که مشکلات اجتماعی که حل‌شان زمان‌بر است و با «چند اقدام فیزیکی خاص» قابل رفع یا کاهش نیست را نمی‌توان مشکلات حاد و عاجل دانست در نتیجه مشکلات حاد و عاجل بیشتر کالبدی هستند.

۵-۴-۹- مشکلات حاد و عاجل منطقه

اصولاً مشکلات حاد و عاجل به مسائل و مشکلاتی اطلاق می‌شود که بیشترین ضربه را به پیکره یک منطقه وارد می‌سازد و در ضمن با یک یا چند اقدام فیزیکی خاص می‌توان آن را رفع یا کاهش داد. با این تفسیر، مسائل حاد و عاجل بیشتر مسائل و مشکلات کالبدی هستند و مسائل اقتصادی و اجتماعی که جنبه بلندمدت‌تری داشته و حل آنان نیز تقریباً در کوتاه‌مدت غیر ممکن است را نمی‌توان به عنوان مشکلات حاد و عاجل یاد کرد. علی‌الرحال، با عنایت به مطالعات صورت گرفته در این گزارش، مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی منطقه ۱۶ را می‌توان به صورت زیر یاد نمود:

پراکنش نامتناسب جمعیت در منطقه و شکل‌گیری محلات بسیار پر تراکم در کنار محلات با کاربریهای غیر مسکونی بزرگ مقیاس با تراکم بسیار پائین
تراکم بالای جمعیت در منطقه
بالا بودن شمار خانوار ساکن در هر واحد مسکونی
بزرگ مقیاس بودن خانوارها (بزرگی بعد خانوار)
بالا بودن نرخ بیکاری نسبت به شهر تهران
بالا بودن بار تکفل و توان اقتصادی پائین خانوارها
سکونت اقشار متوسط به پائین شهر تهران در منطقه و ضعف بنیان‌های اقتصادی خانوارها و کل منطقه
پائین بودن نرخ باسوادی و سطح فرهنگی منطقه
استقرار کارگاه‌ها و صنایع بسیار بزرگ در داخل منطقه و در مجاورت محلات مسکونی

جمع‌بندی

در مجموع و با توجه به نمونه‌های نام برده می‌توان گفت طرح تفصیلی تهران که بر مبنای «مطالعات بررسی مسایل توسعه شهری مناطق» تهیه شده است به لحاظ علم جامعه‌شناسی پشتوانه ضعیفی دارد. چرا که مطالعات اجتماعی آن دارای ضعف در بینش اجتماعی، مبانی نظری، چارچوب‌های مفهومی و روش‌شناسی است. در این مجال اندک، بیشتر به ضعف‌های روش‌شناختی آن پرداخته شد. امیدواریم به ابعاد دیگر این طرح‌ها در فرصت‌های دیگر توسط پژوهشگران دیگر پرداخته شود و این بررسی‌ها همچنان ادامه یابد.

مآخذ

- آمود، مهندسین مشاور. بررسی مسایل توسعه شهری (منطقه ۹). ویراست ۲. جلد ۵. ۱۳۸۲.
شاران، مهندسین مشاور. بررسی مسایل توسعه شهری (منطقه ۳). جلد ۵. ۱۳۸۲.
عرصه، مهندسین مشاور. طرح بررسی مسایل توسعه شهری مناطق تهران (منطقه ۴). ویراست ۲. جلد ۵. ۱۳۸۲.
نقش محیط، مهندسین مشاور. بررسی مسایل توسعه شهری تهران (منطقه ۱۶). ۱۳۸۱.